

۲ عامل مهم در فتح خرمشهر

مروری بر حماسه ماندگار عملیات بیت المقدس در بیان مقام معظم رهبری

هزاران انسان فداکار و آگاه، با فهم موقعیت و شناخت نیاز زمان، در همان نقطه ای که باید در آن حضور داشته باشند، حضور پیدا کردند؛ نتیجه یک حماسه تاریخی و ماندگار شد. حماسه فتح خرمشهر و عملیات عظیم بیت المقدس، در تاریخ این کشور خواهد ماند. هم در آن روزی که این حادثه اتفاق افتاد، هم هر وقت که این گونه حوادث برای افکار مردم تشریح گردد و توضیح داده شود، وسیله ای برای تجدید حیات ملی و آسان کردن راه عزت و عظمت برای یک ملت می شود. عزیزان من! عملیات بیت المقدس و عملیات عظیمی که در آن روزها اتفاق افتاد، کار پیچیده عظیمی بود که از ۲ عامل ترکیب شده بود:

عامل اول، دانش نظامی و قوت فرماندهی و هوشیاری و استعداد جوانان مؤمن ما بود. در آن روز کسانی وانمود می کردند - و شاید امروز هم بعضی خیال کنند - که عملیاتی مثل عملیات بیت المقدس، فقط یک هجوم انبوه انسانی بود! این ها سخت در اشتباه اند. هیچ امواج انسانی، بدون فرماندهی قادر قاطع هوشیار، نمی تواند هیچ عملی را انجام دهد. در جنگ نظامی، سازماندهی و عملیات و فرماندهی و تاکتیک و دقت نظر و موقع شناسی و ده ها عامل در کنار هم، دانش نظامی را به وجود می آورد و استعداد و نبوغ نظامی را نشان می دهد. این اتفاق، در عملیات فتح خرمشهر - یعنی همان عملیات بیت المقدس - روی داد، که همین شهید عزیز اخیر ما - شهید صیاد شیرازی - یکی از کارگردانان اصلی این عملیات بود و خود او مثل ظهر چنین روزی، از آن جا با تلفن با بنده تماس گرفت و مژده پیروزی را داد و گفت سربازان عراقی صف طولانی کشیده اند تا بیایند اسیر شوند! ببینید این عملیات چقدر هوشمندانه و قوی و همه جانبه بود که نیروهای دشمن احساس اضطراب می کردند که برای حفظ جان خودشان بایند خود را تسلیم اسارت کنند؛ که در آن روز هزاران نفر از نیروهای دشمن متجاوز - که آن همه با غرور و تکبر، فریاد سر داده بودند - آمدند دودستی خودشان را تسلیم رزمندگان اسلام کردند! بنابراین، یک عامل از دو عامل مهم چنین پیروزی های مهمی، قدرت فرماندهی، دانش، مسلط بودن بر عملیات

پیچیده جنگ و توان به کارگیری نیروها بود، که آن روز هم دشمنان ما در تبلیغات خودشان این ها را مخفی می کردند و می گفتند ایران امواج انسانی را به جنگ فرستاد! مگر امواج انسانی می تواند پیروز شود؟! چند قبضه مسلسل از چند طرف کار بگذارند، همه امواج انسانی را درو خواهد کرد. نخیر، فقط امواج انسانی نبود؛ فقط انبوه جمعیت نبود؛ قوت سازماندهی بود، قوت اراده بود، نیروی نظامی بود.

عامل دوم که از عامل اول مهم تر است، نیروی ایمان و شجاعت ناشی از قوت ایمان رزمندگان و مردم و جوانان بود؛ یعنی عشق ایمانی - نه عشق حیوانی، نه عشق مادی، نه عشق به چیزهای خرد و حقیر - عشق به ارزش ها؛ عشق به آرمان های الهی و اسلامی؛ همان چیزی که کشته شدن در راه خدا را برای کسی که چنین عشقی را دارد، شیرین می کند؛ نه این که آسان می کند، شیرین می کند. پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمود: «یا علی! آن روزی که به تو ضربتی می زنند و این ضربت، به شهادت منتهی خواهد شد، صبر تو چگونه خواهد بود؟» امیرالمؤمنین عرض کرد: «یا رسول ا...! این موضع صبر نیست؛ این موضع شکر است (۱)». کسی که در راه خدا به شهادت می رسد، بزرگ ترین شاکر خدا برای این حادثه، خود اوست؛ زیرا که چنین نعمت بزرگی را خدای تعالی به او داده است. چه چیزی یک رزمنده، یک جوان و یک انسان را در میدان های گوناگون، این گونه به روشن بینی می رساند؟ ایمان آگاهانه. عزیزان من! این ایمان آگاهانه در رزمندگان، موجب این می شد که خطر را به هیچ بگیرند. در فرماندهان موجب این می شد که لحظه ای به راحتی خود و یا به خطر برای خود فکر نکنند. شب و روز تلاش و کار کردند؛ حیثیت حقیر خودی را نادیده گرفتند؛ برای خدا و برای اهداف اسلام و برای آزادی و سربلندی ملت مسلمان، حاضر شدند جان خودشان را بدهند. هر ملتی که این طور احساسی در او باشد، شکست خوردنی نیست. چه کسی می تواند چنین ملتی را شکست دهد؟ همه زورگویی های قلدران دنیا به این است که جان کسی را تهدید کنند؛ بالاترینش این است. اگر کسی حاضر شد جان خود را در راهی بدهد، دیگر چه تهدیدی بر او کارگر خواهد شد؟ من می خواهم عرض کنم، حتی همان عامل اول هم

- یعنی آن قوت فرماندهی و دانش نظامی و تسلط بر امر نظامی گری - از این عامل دوم ناشی شد. همین نیروی ایمان بود که توانست ارتش و سپاه و بقیه عناصری را که در جنگ شرکت داشتند - مثل نیروهای مردمی، مثل جهاد سازندگی، مثل عشایر - به نقطه ای برساند که بتوانند یک نیروی عظیم نظامی را با یک فرماندهی قوی و قاطع به وجود آورند. این ایمان و این عشق معنوی بود که آن استعداد را در آنها به جوشش درآورد، والا ما قبل از این هم در این کشور جنگ هایی داشتیم که نیروهای ما نتوانستند آن جایگاه شایسته را برای خود کسب کنند. این قوت ایمان بود که قدرت فرماندهی را پدید آورد. پس، همه چیز به این برمی گردد که اگر جوانان و مردم یک کشور، ایمان شان به خدا، ایمان شان به هدف، احساس فداکاری شان در راه هدف، احساس این که خود را جزو حزب ا... و جندا... بدانند، تقویت شد، این ملت شکست ناپذیر می شود.

من می خواهم بعد از این حرف، بلافاصله یک حرف دیگر را عرض کنم، و آن این است که اگر این ملتی که با نیروی ایمان و با شجاعت ناشی از ایمان توانسته کار بزرگی را انجام دهد، یک دشمن داشته باشد، این دشمن چه کار می کند؟ خودتان فکر کنید. راه غلبه دشمن بر چنین ملتی چیست؟ راه غلبه دشمن این است که این عامل معنوی را از این ملت بگیرد. این دشمن می داند که تا وقتی در این مردم، همان روحیه ایمان - آن اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دلبستگی به هدف ها - باشد، این ملت قابل دسترسی نیست. چه کار باید بکند؟ باید تلاش کند تا ایمان را در آنها ضعیف کند؛ آرمان های الهی را در ذهن آنها کمرنگ کند؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد.

این کار هم با شمشیر و با ابزار مدرن و فوق مدرن نمی شود؛ این کار با تبلیغات می شود. از بعد از جنگ، بلکه در اثنای جنگ، این تبلیغات دشمن شروع شده است و تا امروز ادامه دارد. من عرض می کنم، هر کس که به سرنوشت این ملت و این کشور علاقه مند است، باید در راه تقویت ایمان این ملت، در راه تقویت ایمان جوانان، در راه تقویت تدبیر جوانان و در راه تقویت پیوند جوانان با آرمان های اسلامی مجاهدت کند. هر

کس که ضد این عمل کند، به سرنوشت این ملت علاقه مند نیست؛ یا جزو نیروی دشمن است، یا فریب خورده است. این جاست که وظیفه آگاهان و روشنفکران و گویندگان و نویسندگان و مسئولان و هر عنصر از عناصری که می تواند بر روی ذهن مردم اثر بگذارد، روشن می شود. دشمن از ایمان و از غیرت دینی مردم سیلی خورده است؛ او حق دارد که با غیرت دینی دشمن باشد؛ اما دوست نباید به او کمک کند. آن کسانی که به عزت ایران اسلامی علاقه مندند، باید تلاش کنند که روز به روز بر غیرت دینی مردم و جوانان و پایبندی آنان بیفزایند. بحمد... جوانان مملکت، جوانان مؤمن و سالمی هستند. خوشبختانه نسل جوان ما، یک نسل سالم است. نگاه نکنید به موارد استثنایی در گوشه و کنار که تحت تأثیر تبلیغات دشمن، رفتارها و گفتارها و ذهنیت های غلطی را از خودشان نشان می دهند؛ این ها نمایشگر نسل جوان ما نیستند. نسل جوان ما همان نسلی است که امروز هم اگر پای امتحان پیش آید، اگر صحنه خونی شهر پیش آید، اگر میدان مجاهدت فی سبیل ا... پیش آید، نشان خواهد داد که از بن دندان به اسلام پایبند است.

آن روز جوانان ما با جوشش استعدادهای خودشان توانستند آن کارهای بزرگ را بکنند؛ امروز هم ما کارهای بزرگی در مقابل خودمان داریم. ولو از نوع جنگ و از نوع حضور در جبهه ها نیست؛ اما کارهای بزرگ، همیشه بزرگ است و همیشه به ایمان، به صفا، به غیرت دینی، به ایستادگی در راه خدا و به آشتی ناپذیری با دشمن احتیاج دارد. این را جوانان ما دارند و ان شاء... باز هم خواهند داشت. امیدواریم به برکت و حرمت خون های معطر و مطهر جوانان ما که در عملیات بیت المقدس و عملیات قبل از آن و بعد از آن، و در طول دوران انقلاب تا امروز، در راه خدا ریخته شده است، ان شاء... جوانان و مردم ما همیشه در راه خدا ثابت قدم و استوار باشند و دشمن را ناکام کنند و دشمن نتواند جای پایي در ملت ما پیدا کند و ان شاء... پیدا نخواهد کرد.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده های معظم شهدا
۱۳۷۸، ۳، ۳